

تفسیر اجتهادی قرآن‌محور، به مثابه روش معیار^۱

محمد اسعدی^۲

چکیده

روش تفسیر اجتهادی را می‌توان بر پایه تعریفی عام از اجتهاد در روش و ابزارهای معرفت دینی تعریف نمود. بر این اساس «روش تفسیر اجتهادی در واقع کلان‌روشی تفسیری است که برای فهم و تبیین معانی آیات، گستره وسیعی را از منابع، ادله و شواهد معتبر نقلی و عقلی با نگاه تحلیلی متناسب با مفاد آیات در حد توان انسانی به مدد می‌گیرد.» این کلان‌روش، به اقتضای روش‌ها و گرایش‌های تفسیری رایج، می‌تواند تحلیل و تعریف خاص خود را بیابد و حسب غایات و مقاصد خویش، اصول نظری و عملی ویژه‌ای داشته باشد؛ از جمله با محوریت روش تفسیر قرآن‌گرایانه - با الهام از تجربه نسبتاً موفق المیزان و آرای علامه طباطبایی - می‌توان روش تفسیر اجتهادی قرآن‌محور را تعریف نمود. برجسته‌ترین اصول عام تفسیر اجتهادی قرآن‌محور را می‌توان در سه دسته اصول نظری، عملی و غایی به شرح ذیل دنبال کرد؛ اصول نظری (مبانی نظری) شامل:

۱. قلمروی خاص تفسیر نسبت به دیگر دانش‌های دینی قرآنی؛
 ۲. محوریت قرآن در میان منابع معرفتی دین؛
 ۳. سازگاری و هم‌خوانی درونی آیات قرآن؛
 ۴. مرجعیت قرآن نسبت به معرفت‌های انسانی، اصول عملی (قواعد کلی) شامل:
 ۱. جست‌وجوی آیات هم‌مضمون به لحاظ لفظی و معنایی؛
 ۲. یافتن اصول کلیدی و کلی حاکم بر مفاهیم و معارف قرآن؛
 ۳. اهتمام به قراین سیاقی قرآنی؛
 ۴. انسجام‌یابی آیات متناظر (محکم و متشابه، عام و خاص، مطلق و مقید، مجمل و مبین و منسوخ و ناسخ)؛
 ۵. و توجه به اصول توسعه دلالی در مفاهیم قرآن و اصول غایی با عنوان عام تفسیر در خدمت هدایت‌های دینی.
- کلیدواژگان:** روش تفسیر، تفسیر اجتهادی قرآن‌محور، اصول نظری، اصول عملی، اصول غایی، علامه طباطبایی.

^۱ برگرفته از ارائه استاد در روز کنفرانس.

^۲ عضو هیئت علمی پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.